

بسمه تعالی

مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم

ع . جعفری

پیش گفتار

«قل امر ربی بالقسط و اقيموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدين»
مسجد سنگر دفاع از حریم دین مقدس اسلام است، و در طول تاریخ، بزرگانی چون پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و اصحاب با وفایش، سربازان مدافع آن بوده‌اند و همواره تجلی گاه عشق و عبادت و خضوع به درگاه پروردگار عالم بوده است. دل مؤمنان صادق، بهترین سنگر در برابر شرک و بی دینی است که شبانه روز چند نوبت به سوی خدا می ایستد و با حضور در مسجد آن را جلوه و نورانیت می بخشد. تأکید فراوانی که پیامبر اعظم و ائمه اطهار بر اقامه نماز جماعت داشته‌اند، بر دائمی بودن این دفاع، دلالت دارد. برای این سنگر مهم، می توان نقش های بسیاری در سراسر تاریخ نام برد که مهم ترین نقش آن، نقش عبادی و ارتباطی است؛ زیرا در میان اقوام و ملل گوناگون مکان هایی پیدا می شود که از تقدس و اهمیتی ویژه برخوردار است؛ و مردم با حضور در آن جا به نیایش و عبادت می پردازند. در نزد ما مسلمانان، مقدس ترین و با اهميت ترین مکان، مسجد است که یادآور خشوع و خضوع و عبادت و بندگی به درگاه خداوند است.

• خاطره از نخستین منبر مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم

هنگامی که رسول خدا با یاران اندک به مدینه مهاجرت نمودند، در آغاز چون مسلمانان، کم بودند پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سخنرانی، بر ستون مسجد (که ستونی از نخل خرما بود) تکیه می داد، و به ارشاد مردم می پرداخت، ولی وقتی جمعیت مسلمین فزونی یافت، پیامبر برای نخستین بار از پله های آن منبر بالا رفت. در این هنگام، فریاد ناله از تنه درخت خرما که ستون مسجد و تکیه گاه قبلی پیامبر بود بلند شد، همانند ناله شتری که از بچه خود جدا شده است، طوری که همه حاضران، آن را شنیدند.

عجیب این که: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که بالای منبر رفت، سه بار گفت: «آمین». روشن است که کلمه «آمین» در پایان دعا یا نفرین، گفته می شود؛ در آن جا این سؤال در ذهن حاضران آمد که چرا پیامبر «آمین» گفت، ولی طولی نکشید که پاسخ این سؤال روشن گردید. زمانی که پیامبر بالای منبر رفت، از جبرئیل سه نفرین شنید که دیگران این صدا را نمی شنیدند. شنید که جبرئیل می گوید: «خدایا لعنت کن بر عاق والدین». فرمود: آمین، سپس شنید، جبرئیل عرض کرد: خدایا لعنت بفرست بر کسی که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او از رحمت و آمرزش الهی محروم گردد». پیامبر فرمود «آمین».

سپس جبرئیل گفت: خدایا لعنت کن کسی را که نام رسول تو (= رسول خدا) را بشنود و صلوات نفرستد،

پیامبر فرمود «آمین».

• مسجد، کانون اصلی تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

نهضت‌های فکری و اجتماعی در شیوه آغاز به کار و ادامه آن یکسان نیستند. برخی از نهضت‌ها چون تندری بهاری آغاز می‌شوند؛ دقایقی می‌بارند، امواجی توفنده برپا می‌کنند و پس از زمانی کوتاه می‌ایستند. ساعتی بعد، گویی هرگز بارانی نباریده و آبی جاری نشده است. اما نهضت جاودانه‌ای که پیامبر آن را بنا نهاد، چنین نبود. با نزول باران آیه‌های قرآن، فرمان خواندن و اهمیت دادن به آموزش و قلم و مبارزه با نادانی آغاز شد:

«اقرأ باسم ربك الذي خلق... الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم».

اسلام هم‌چون رودی آرام، ولی سنگین و پر آب در بستر جامعه آن روز که برترین ویژگی‌اش «نادانی» بود جاری شد. رفته رفته سنگلاخ‌های جهل و خرافه را درهم کوبیده و دشت خشک نادانی را به بوستان‌هایی پر از گل آگاهی و بینش و دانش تبدیل کرد.

پیدایش اسلام نه فقط موجی از افکار و اندیشه‌های الهی را در جامعه جاری کرد، بلکه شور و نشاط علمی را نیز برانگیخت. علم و دانش و آموختن و یاد دادن ارزشی دیگر یافت و شمار آنان که خواندن و نوشتن می‌دانستند به گونه‌ای چشم‌گیر رو به فزونی گذاشت.

آموزگار مکتب، پیامبر صلی الله علیه و آله بود و موضوع آموزش نیز در آغاز، فراگفتن معنای «ایمان» و دانستن آیه‌های کتاب آسمانی بود. پیامبر به فرمان خداوند نمی‌توانست آن‌چه را بر او نازل می‌شود در سینه خود محبوس نماید؛ بلکه وظیفه داشت که آیه‌های کتاب آسمانی را برای مردم تفسیر و تبیین نماید:

«و انزلنا اليك الذکر لتبين للناس ما نزل عليهم»

او آیات کتاب الهی را بر مردم تلاوت می‌کرد. آنان را تزکیه می‌نمود و کتاب و حکمت را به آنان آموزش می‌داد:

«هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يزيههم و يعلمهم الكتاب و الحكمة...».

این رسالت سنگین، زمان و مکان نمی‌شناخت. پیامبر از هر فرصتی برای روشن‌فکری و آموختن اسلام به مردم بهره می‌جست؛ ولی مطالعه در زندگی و سیره آن حضرت نشان می‌دهد که «مسجد» در مجموعه دوران بیست و سه ساله رسالت، مهم‌ترین سنگرتبلیغ دینی پیامبر بوده است. گرچه نقشی که مسجد در طول این دوران در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی داشت، همواره یکسان نبوده است.

• بحثی تاریخی درباره مسجد

پیش از آن که اسلام با بعثت پیامبر توکد یابد، دو مسجد مهم و با عظمت بر روی زمین احداث شده بود، یکی مسجدالاقصی بود و دیگری مسجدالحرام. مسجدالاقصی در بیت المقدس با دست حضرت سلیمان علیه السلام

بنا شده بود و دیگر پیامبران بزرگ الهی، آن را تعمیر و تجدید بنا نمودند. مسجدالحرام نیز یادگار دو پیامبر بزرگ حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بود. بر پایه برخی از روایات، حد و مرز این مسجد به همت این دو پیامبر بزرگ تعیین و ترسیم شده است.

درباره تاریخ بنای کعبه برخی برآنند که کعبه به دست حضرت آدم علیه السلام بنا و بازسازی شده است.

• نخستین مسجد در اسلام

با آن که درباره مسجد «قبا» اطلاعات کافی در کتاب‌ها و آثار درج شده است، ولی در منابع تاریخی کهن، این سخن که مسجد قبا، نخستین مسجد در اسلام است، فقط گفته پاره‌ای از مورخان چون ابن جوزی است. مورخان بزرگی چون طبری و پیش از او سیره‌نویسانی چون ابن هشام و واقدی نیز چنین ادعایی نداشته‌اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به عقیقه بن خالد می‌فرماید:

«ابدأ بقبا فصل فيه و اکثر فانه أول مسجد صلى فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في هذه العرضه...» «برای سرکشی از مساجد اطراف مدینه، از مسجد قبا شروع کن؛ زیرا این مسجد، نخستین مسجد در این منطقه است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن نماز گزارده است...».

ابن هشام در تشریح رخدادهای آغازین ورود پیامبر در روز جمعه از محله قبا حرکت کرد و نماز جمعه را در میان قبیله بنی سالم بن عوف و در مسجدی که در دل دره رانونا بود، به جا آورد و این نخستین نماز جمعه‌ای بود که پیامبر در مدینه برپا نمود.

• نقش فرهنگی مسجد در دوران پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

در سال‌های آغاز بعثت به علت جو اختناق و شرایط سختی که بر مکه حاکم بود، مکان تبلیغ دینی به‌طور عمده، خانه آن حضرت بود. با اسلام آوردن ارقم بن ابی ارقم، خانه او به جایگاه آموزش مسلمانان تبدیل شد. پیامبر در این خانه که در جنب کوه صفا قرار داشت، مبانی اندیشه‌های اسلامی را به مسلمانان آموزش می‌داد. بسیاری از مردم در همین خانه و در سایه آموزش‌های پیامبر مسلمان شدند. در سال چهارم بعثت، یاران پیامبر مسلمان بودن خویش را آشکار می‌کردند. با این حال نمی‌توانستند از مسجد در قالب سنگری در تحقق تبلیغ و آموزش بهره‌برداری کنند. مسجدالحرام، کاملاً در چنگال مشرکان قرار داشت و مسجد دیگری که بتوان آزادانه در راستای اهداف فرهنگی از آن استفاده کرد، نیز وجود نداشت.

• نقش فرهنگی مسجدالحرام پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

کعبه و مسجدالحرام از دیرباز جایگاه گردهمایی مردم بود. مشرکان قریش، بازرگانان و مسافرانی که از اطراف مکه به این شهر می‌آمدند، پیش از اسلام نیز بر پایه اعتقادات خاص خود برای پرستش بت‌ها و یا طواف خانه خدا، گرد کعبه و در مسجدالحرام حضور می‌یافتند.

پیامبر از این فرصت‌ها برای تبلیغ آیین توحید و یکتاپرستی سود می‌جستند. آن حضرت بارها در کنار حجر اسماعیل به تلاوت آیه‌های روحبخش قرآن برای مردم می‌پرداخت و آنان را به پذیرش اسلام فرا می‌خواند. دامنه فعالیت‌های تبلیغی پیامبر در ایام ویژه‌ای که موسم طواف و حج فرا می‌رسید، گسترش می‌یافت. اسلام آوردن شمار درخور توجهی از یاران پیامبر در مکه، ثمره کارهای تبلیغی بود. یکی از مسلمانانی که این‌گونه هدایت شد، «طفیل بن عمرو» بود. او تحت تأثیر تبلیغات دروغین مشرکان حاضر شده بود گوش‌های خود را انباشته از پنبه کند تا مبادا آوای قرآنی را بشنود؛ ولی سرانجام در مسجدالحرام مسلمان شد. طفیل پس از اسلام آوردن، مبلغ شایسته‌ای برای آیین یکتاپرستی در میان خویشان و افراد قبیله خود شده بود.

بر پایه برخی از شواهد تاریخی، پیامبر در دورانی، یاران خویش را در مسجدالحرام گرد می‌آورد. برای آنان قرآن می‌خواند و واجبات و محرمات الهی را به آنان آموزش می‌داد. چنین جلساتی در مسجد، گاه به مناظره و گفت‌وگوهای طولانی و علمی با سران قریش می‌انجامید و پیامبر با استناد به آیات نورانی قرآن به شبهه‌های گوناگونی که آنان مطرح می‌کردند، پاسخ می‌گفتند.

ابن هشام می‌گوید: «هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه بود، حدود بیست مرد مسیحی از حبشه به این شهر آمدند. اینان اخباری را در بعثت پیامبر شنیده بودند و پرسش‌های خود را مطرح کردند. افرادی از قریش نیز در اطراف کعبه، نظاره‌گر این جلسه بودند.

پیامبر اعضای این هیأت را به توحید و یکتاپرستی دعوت کرد و آیاتی از کتاب آسمانی را برای آنان تلاوت نمود. چشمان آنان با شنیدن آیه‌های قرآن پر از اشک شد.

آنان به خداوند یکتا و پیامبر او ایمان آوردند و دریافتند که آنچه در کتاب‌های‌شان درباره پیامبر آمده، در آن حضرت آشکار و هویداست.

• نقش فرهنگی - آموزشی مسجد پس از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم

پس از هجرت پیامبر به مدینه و بنا نمودن مسجدالنبی، فصلی نوینی در آموزش و فعالیت‌های فرهنگی مسلمانان آغاز شد. تلاش‌های فرهنگی در مدینه، پیش از هجرت پیامبر به آن شهر و قبل از بنای مسجد نیز سابقه داشته است. با این حال، نقش مسجد در فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی، پس از ورود پیامبر به مدینه و بنای مسجد، هرگز با قبل از آن قابل مقایسه نیست. با بنای مسجدالنبی در واقع نه فقط معبد و پرستشگاهی ساخته شد، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی‌ریزی شده است.

حضور منظم و پیوسته مسلمانان در این مسجد به منظور برپاداشتن نماز، بهترین فرصت را برای کارهای تبلیغی پیامبر فراهم آورد. آن حضرت با توجه به اوضاع و احوال و رعایت حال حاضران در مسجد، از این فرصت‌ها به شایستگی بهره‌برداری می‌کرد و پس از برگزاری نمازها برای مردم سخن می‌گفت.

در آغاز که شمار مسلمانان اندک بود، پیامبر با تکیه بر یکی از ستون‌های مسجد که از چوب درخت خرما ساخته شده بود، برای مردم سخن می‌گفت.

بعدها به پیشنهاد برخی از مسلمانان، منبری که دارای سه پایه و از چوب بود، برای آن حضرت ساخته شد، پیامبر بر بلندای همین منبر کوتاه که به بلندای همه تاریخ بود، جان‌تشنگان معارف الهی را سیراب می‌ساخت. بسیاری از سخنان و گفته‌های پیامبر که اکنون در دسترس ماست، از همان خطبه‌هایی است که بر فراز این منبر ایراد شده است.

• سخنرانی‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم در مسجد

سخنرانی‌های پیامبر برای افراد حاضر در مسجد نه فقط خسته‌کننده و ملال‌آور نبوده، بلکه بسیار پر جاذبه بوده است. جلسات موعظه و سخنرانی رسمی، همه روزه برگزار نمی‌شد، زیرا یاران پیامبر از این عمل رسول خدا چنین برداشت می‌کردند که پیوستگی و مداوم بودن جلسات سخنرانی، موجب خستگی و ملال نماز گزاران می‌شود.

«عبدالله بن مسعود» که از چهره‌های علمی در روزگار پیامبر به شمار می‌آید، می‌گوید: «کان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: يتخولنا بالموعظة في الايام كراهة السامه علينا؛ «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن رو که مبدا ما شنوندگان خسته و ملول شویم، برخی از روزها موعظه می‌کردند.» گرچه عبدالله این سخن را از زبان خود می‌گوید، ولی بی‌گمان او با استناد به سخنی از پیامبر چنین برداشتی را از سیره کار آن حضرت نموده است.

پیامبر دیگران را نیز به آسان گرفتن در تبلیغ و موعظه سفارش می‌کرد. از ایشان نقل شده که در این زمینه فرموده‌اند:

«يسرّوا ولا تعسّروا وبشّرو ولا تنفّروا؛ آسان بگیرید، سخت گیر مباشید، بشارت دهید و مردم را گریزان مسازید.»

گاهی زمان سخنرانی‌های پیامبر از پیش توسط خود حضرت اعلام می‌شد تا همگان در مسجد حضور یابند. در چنین مواردی یاران پیامبر یکدیگر را به حضور در مسجد در اوّل وقت و ضبط سخنان پیامبر سفارش می‌کردند تا مبدا کلمه‌ای از سخنان ایشان از دست برود.

در مجالس سخنرانی پیامبر زنان نیز حضور داشتند. اگر احساس می‌شد زنان به هر علت سخنان پیامبر را نشنیده‌اند، پیامبر دوباره آنان را موعظه و نصیحت می‌کرد.

روزی پیامبر در حالی که بلال نیز با او همراه بود، دانست که زنان، سخنان او را نشنیده‌اند، دوباره آنان را موعظه کرد و ایشان را به صدقه دادن فرمان داد. گاه، زنان درخواست می‌کردند که برای آنان مجلس

سخنرانی جداگانه‌ای تشکیل شود؛ پیامبر با پیشنهاد آنان موافقت می‌نمود و مجلسی مخصوص زنان برپا می‌شد.

• محتوای سخنرانی‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم در مسجد

خداوند متعال یکی از جنبه‌های مهم رسالت پیامبر را تبیین و تفسیر آیه‌های قرآن قرار داده است. بی‌تردید این مهم، در مرتبه اول در مسجد صورت می‌گرفته است. آموزش فقه و احکام دینی به مردم نیز بخش دیگری از سخنرانی پیامبر را تشکیل می‌داد.

با این حال، سخنرانی‌های ایشان فقط جنبه آموزشی نداشت، بلکه از عامل موعظه و تقویت روحیه «تقوا» و پرهیز از گناه در روح و جان شنوندگان نیز برخوردار بود. از همین رو اصحاب، از برخی جلسات سخنرانی آن حضرت به عنوان «مجلس موعظه» یاد می‌کردند. این امر به روشنی نشان می‌دهد که «آموزش» و یاد دادن در مسجد باید با وعظ و اندرز دادن که در حقیقت «پرورش» است، همراه باشد. در کتاب «معالم القربة» از بخاری نقل کرده که ابومسعود گفته است: «مردی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: من به لحاظ ضعف و ناتوانی از حضور در نماز فلان کس خودداری می‌کنم، زیرا او نماز را طولانی برگزار می‌کند. ابومسعود گفته است: پیامبر در این باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بودم.» آن حضرت خطاب به حاضران فرمود: «برخی از شما مردم را گریزان می‌سازند. اگر کسی امامت گروهی را برعهده دارد، باید از طولانی کردن نماز پرهیز کند چون در نماز جماعت افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و پیشه دارند، یافت می‌شوند.»

• جایگاه موعظه در تبلیغ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم

اصولاً عامل «موعظه» و اندرز، در تبلیغ از جایگاهی ویژه برخوردار است. قرآن کریم یکی از راه‌های فرا خواندن مردم به سوی خداوند را «موعظه» دانسته است. قرآن مجید در آیاتی، خود را موعظه‌ای برای مردم معرفی نموده است.

راغب، موعظه را این گونه معنا کرده است:

«الوعظ زجر مقترن بالتخويف؛ موعظه بازداشتن همگان با بیم دادن است.»

خلیل بن احمد، یکی از دانشمندان بنام لغت‌شناس نیز گفته است:

«الوعظ هو التذكير بالخير فيها يرّق له القلب؛ وعظ، به یاد آوردن نیکی‌هاست، به گونه‌ای که دل‌ها نرم گردد.» پیامبر علاوه بر این که خود در عمل از چنین شیوه‌ای برای هدایت مردم استفاده می‌کردند؛ مسلمانان را بر برگزاری مجالس وعظ و اندرز ترغیب می‌نمودند.

در روایاتی که هم در منابع شیعه و هم در منابع سنی یافت می‌شود، از مجالسی به عنوان «مجالس ذکر» نامی

به میان آمده و درخصوص برگزاری آن تشویق و تأکید شده است. یکی از آن‌ها حدیث ذیل است که پیامبر خطاب به مسلمانان فرموده‌اند: «بادرو الی ریاض الجنّة، قیل یا رسول الله و ریاض الجنّة؟ قال: مجالس الذّکر؛ به سوی باغ‌های بهشت بشتابید؛ گفته شد ای رسول خدا! مقصودتان از باغ‌های بهشت چیست؟ فرمود: مجالس ذکر و یاد خدا.»

متأسفانه امروزه مجالس وعظ و اندرز در میان مسلمانان از جایگاه اصیل خود برخوردار نیست. برگزاری مجالس سخنرانی در مسجد به یک رسم و تشریفات تبدیل شده؛ فقط در مرگ افراد، مجالس با عنوان مجلس ترحیم تشکیل می‌شود؛ آن هم نه برای عبرت و موعظه که از سر رسم و تشریفات؛ چندان که اگر کسی نمیرد، هرگز مجلسی برپا نمی‌شود، گویی همگان خود را از وعظ و اندرز دیگران بی‌نیاز می‌دانند، حال آن‌که سخت بدان محتاجند.

• مراعات حال حاضران در مسجد

درباره مدّت زمان سخنرانی‌های پیامبر در مسجد با استناد به شواهد روشنی که در این زمینه در دست است، می‌توان گفت: مدت این سخنرانی‌ها معمولاً کوتاه بوده است. آن‌چه از خطبه‌های پیامبر در دست نشان می‌دهد که مدّت زمان سخنرانی‌های ایشان از چند دقیقه، تجاوز نمی‌کرد. در سنن ترمذی آمده است که پیامبر در نماز جمعه و خطبه‌های آن، جانب اعتدال را مراعات می‌فرموده است. در کنار این همه، گاه در سخنرانی‌های پیامبر مطالب مزاح آمیزی نیز بیان می‌شده است. ایشان بر منبر مسجد برای مردم از مردی سخن گفت که شتری را که مال خود پیامبر بوده برای آن حضرت هدیه آورده است! پیامبر سه وقیه نقره به او پاداش داده‌اند، ولی او باز هم راضی نشده است.

• جاذبه‌های معنوی در تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

تردیدی نیست که کار تبلیغی پیامبر در مسجد، سرشار از مایه‌های معنوی و روحانی بوده است. این آمیزه‌های الهی، کسانی را که اندک زمینه‌ای برای هدایت داشتند، شیفته و شیدای اسلام می‌نمود. در حقیقت دامنه فعالیت‌های پیامبر در مسجد، فقط به برگزاری سخنرانی و تشکیل کلاس‌های آموزشی محدود نمی‌شد؛ بلکه جلوه‌های رفتاری پیامبر بیش از هر چیز، مسجد را به کانون هدایت حق جویان تبدیل کرده بود. یعنی پرتو نور جذبه‌های معنوی ایشان چنان پر فروغ بود که گاه کسانی که به قصد کشتن آن حضرت به مسجد می‌آمدند نیز خیره می‌ماندند و بذر مهر و محبت به اسلام در دل آن‌ها کاشته می‌شد.

«عمیر بن وهب»، در پی تحریکات صفوان بن امیه برای کشتن پیامبر با شمشیر زهرآلود از مگه بازگشت. چنین ماجراهایی به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر در برخوردهای کوتاه، جان تازه‌مسلمان را با اسلام پیوند می‌زد؛ به گونه‌ای که نخستین آرزوی آنان پس از مسلمان شدن، شهادت در راه خدا بود.

• اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امور مساجد

پیامبر در خصوص بنای مسجد و تعیین امام جماعت برای قبایل گوناگون اهتمامی ویژه داشتند. آن حضرت خود در مواردی در امر ساختن مسجد برای برخی از قبایل شرکت می‌جستند. شخصی به نام «جابر بن اسامه» می‌گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه با گروهی از یارانش در بازار مشاهده کردم. از آنان پرسیدم: پیامبر به کجا می‌روند گفتند: برای افتتاح مسجدی به میان قبیله تو می‌روند. وقتی به محل خود بازگشتم، دیدم رسول خدا برای ما مکانی را مختص مسجد، مشخص کرده و چوبی را برای تعیین سمت قبله آن نصب نموده است.

• ترجیح جلسات علمی بر جلسات دعا در مسجد، در زمان رسول خدا

شهید ثانی در کتاب گرانقدر «منیة المريد» حدیث ذیل را نقل نموده است: «روزی رسول خدا به مسجد وارد شدند. در مسجد دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر فرمودند: هر دو گروه به سوی یک هدف گام برمی‌دارند، دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه کار برتری انجام می‌دهند. من نیز به منظور آموزش به مردم مبعوث شده‌ام. از این‌رو خود در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.»

این‌گونه احادیث، به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر با گفتار و کردار خویش، مسلمانان را به اهمیت علم و دانش آگاه می‌کرد و تشکیل جلسات آموزشی در مسجد را مورد تشویق قرار می‌داد. ایشان علاوه بر تشویق عملی در خصوص برگزاری جلسات درس و آموزش در مسجد در حدیثی فرموده‌اند:

«پاداش کسی که صبحگاهان به قصد یاددادن یا فراگرفتن چیز مطلوبی به مسجد می‌آید، همچون پاداش کسی است که یک عمره کامل را انجام داده باشد و پاداش کسی که شبانگاهان به قصد یادگرفتن و یاددادن کار خیری به مسجد می‌آید. چون پاداش کسی است که یک حج کامل، به جای آورده باشد.»

از این حدیث استفاده می‌شود که لازم نیست گفت‌وگوی علمی در مسجد انجام گیرد و حتماً دانش‌های دینی باشد؛ هر دانش سودمندی را می‌توان در مسجد مورد بحث و بررسی قرار داد.

• پی گفتار

سخن پایانی نویسنده با عالمان و اندیشمندان اسلامی و همه آنانی که به مسجد عشق می‌ورزند و به عظمت و شکوه بیش از بیش آن می‌اندیشند این است که:

اگر سالیان دراز در گفتار و نوشتار خود تأکید کنیم که مسجد در زمان پیامبر چنین و چنان بود، ولی عوامل گوناگونی را که باعث شده «مساجد» به صورت کنونی درآید، بازشناسیم و در رفع آن‌ها نکوشیم گامی شایسته در راه خدمت به مسجد و شکوه آن برنداشته‌ایم.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- اعراف: ۲۹.
- ۲- بحار الانوار: ج ۸۲، ص ۱۶۴.
- ۳- حج: ۴۰.
- ۴- اقتباس با توضیحی از نگارنده از کتاب منتهی الامال: ج ۱، پاورقی صفحه ۳۲۳.
- ۵- علق: ۱، ۴ و ۵.
- ۶- تاریخ آموزش در اسلام، احمد شبلی، ترجمه محمد حسین ساکت، ص ۴۱.
- ۷- نحل: ۴۴.
- ۸- جمعه: ۲.
- ۹- مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد.
- ۱۰- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج ۳، ص ۵۴۱، باب ۵۵ از ابواب احکام المساجد، روایت ۱- ۴.
- ۱۱- همان مأخذ، ص ۶۹۰ و نیز الحجّ فی الکتاب و السنّه، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱، ص ۵۵.
- ۱۲- به نقل از: الصحیح من سیده النّبی الاعظم صلی الله علیه و آله، جعفر مرتضی عاملی، ج ۲، ص ۵۶ و السیّد الحلبیّه.
- ۱۳- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج ۱۰، ص ۲۷۶، باب ۱۲، از ابواب المزاره روایت ۲.
- ۱۴- السیره النبویه، ابن هشام: ج ۲، ص ۱۳۹.
- ۱۵- السیّد النبویه، ابن هشام: ج ۱، ص ۲۷۰.
- ۱۶- الطبقات الکبری، محمد بن سعد واقدی: ج ۳، ص ۲۴۲.
- ۱۷- الصحیح من سیره النّبی الاعظم صلی الله علیه و آله، جعفر مرتضی عاملی: ج ۱، ص ۲۵۹.
- ۱۸- الفوفاء باحوال المصطفی، ابن الجوزی: چاپ مصر، ۱۳۸۶ هـ، دارالکتب الحدیثه، ج ۱، ص ۱۸۲، باب ۱۴ و ص ۱۵، باب ۳۱.

- ۱۹ - السیّدۃ النبویّۃ، ابن هشام: ج ۲، ص ۲۲.
- ۲۰ - الاحتجاج، احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی: ج ۱، ص ۲۹.
- ۲۱ - همان مأخذ، ص ۲۹ - ۳۸.
- ۲۲ - السیّدۃ، ابن هشام: ج ۲، ص ۳۲.
- ۲۳ - نظام الحکومۃ النبویّۃ، عبدالحیّ الکتّانی: ج ۱، ص ۶۷.
- ۲۴ - همان منبع، ج ۲، ص ۲۳۲.
- ۲۵ - همان منبع، ج ۲، ص ۲۳۲.
- ۲۶ - همان مأخذ، ج ۲، ص ۲۳۶.
- ۲۷ - صحیح بخاری: ج ۱، کتاب الصّلاۃ، باب ۷۵، ش ۹۶.
- ۲۸ - همان منبع، باب ۷۸، ش ۹۹.
- ۲۹ - نحل: ۴۴.
- ۳۰ - احیاء العلوم الدّین، غزالی: ج ۲، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.
- ۳۱ - معالم القربۃ فی احکام الحسبۃ، ابن اخوۃ، باب ۴۷، ص ۲۶۶.
- ۳۲ - نحل: ۱۲۵.
- ۳۳ - المعزرات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، کتاب الواو، ص ۵۲۷.
- ۳۴ - نقل از همان مأخذ.
- ۳۵ - وسائل الشیعۃ: ج ۴، ص ۱۲۳۹، باب ۵۰ از ابواب الذکر، روایت ۱ و ۳.
- ۳۶ - نظام الحکومۃ النبویّۃ، عبدالحیّ الکتّانی: ج ۲، ص ۲۳۶.
- ۳۷ - مغازی، محمد بن عمر واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۴۱۵.
- ۳۸ - همان منبع، ص ۹۲ - ۹۵.
- ۳۹ - تاریخ المدینۃ المنورۃ، ابن شبّه، ج ۱، ص ۶۳.
- ۴۰ - منیۃ المدید فی آداب المفید و المسفید، زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، تحقیق و تصحیح: رضا مختاری، ص ۱۰۶.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد